

نقد کتاب طراحی پژوهش‌های اجتماعی: منطق پیش‌بینی

حسین سلیمی*

یزدان کیخسرو دولتیاری**

چکیده

کتاب طراحی پژوهش‌های اجتماعی: منطق پیش‌بینی به منظور طراحی و انجام تحقیق کمی در علوم اجتماعی تألیف شده است و هدف اصلی از تألیف کتاب ارائه عناصر ضروری برای انجام پژوهش است. گویایی و اجتناب از تکلف از ویژگی‌های برجسته کتاب است. ارائه منطق کاوش‌های اجتماعی، تبیین نقش نظریه اجتماعی در پژوهش، و ایجاد درک انتقادی از جمله مقاصد کتاب است. نگارنده کتاب راه‌نمایی خود را با توضیح جزئیات روش پژوهش انجام داده است. این اثر در بیش‌تر قسمت‌های بحث به وصف پیشینه و شیوه شکل‌گیری مطالب دقت نظر دارد. مبحث چهار استراتژی پاسخ‌گویی به پرسش یعنی استراتژی استقرایی، استراتژی قیاسی، استراتژی پس‌کاوی، و استراتژی استفهامی از بخش‌های برجسته کتاب است. هم‌متن کتاب و هم‌مثال‌های کتاب درخصوص پژوهشی‌های تجربی کاملاً مرتبط با حوزه پژوهش در علوم سیاسی هستند؛ مطالبی که آگاهی به آن مقدمه ضروری شروع پژوهش در علوم اجتماعی و علوم سیاسی است.

کلیدواژه‌ها: نورمن بلیکی، روش پژوهش، منطق کاوش‌های اجتماعی، استراتژی‌های پاسخ‌گویی.

۱. مقدمه

نورمن بلیکی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علوم مالزی، کتاب را پس از سال‌ها فعالیت در علوم اجتماعی و انجام پژوهش‌های تجربی نوشته است. چندی بعد از نشر کتاب اثر وی به‌عنوان مرجعی در طراحی پژوهش‌های اجتماعی مطرح و از سوی مراکز علمی با پذیرش

* استاد علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، salimi@atu.ac.ir

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)، y.k.doulatyari@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۰۸

و اقبال روبه‌رو شد^۱؛ چنان‌چه از سوی بعضی دانشگاه‌ها به‌عنوان منبعی اصلی در مطالعهٔ رئوس درسی (syllabus) «تحقیق در علوم اجتماعی» معرفی شد^۲ و بعضی از صاحب‌نظران نیز بر آن نقد نوشتند.^۳

وجه برجستهٔ اثر یکی‌بودن نویسنده و مجری بعضی پژوهش‌هایی مورد‌مثال در کتاب است. این موضوع نشان‌گر حضور مؤلف در جنبه‌های عملی کار است.

نویسنده کتاب را به زبانی ساده و در راستای حل مسئلهٔ پژوهش‌گران نوشته است. او در پی طرح موضوعات پیچیده و غیرکاربردی نیست و شیوهٔ بیان کتاب به‌گونه‌ای است که مخاطبان به‌آسانی از آن بهره‌مند خواهند شد. بلیکی با آن‌که مدعی راه‌نمای پژوهش‌های تجربی کمی در علوم اجتماعی است، اما مباحث نظری مهمی را نیز بیان و در آن‌جایی که اطلاعاتی را ارائه کرده است دقیق و موثق است.

در نقد کتاب حاضر، درج مطالب تنها در جهت معرفی کتاب و گزارشی درباب آن نیست، بلکه هدف تحلیل قدرت متقاعدکنندگی کتاب است.

هم‌محتوای اصلی کتاب و هم‌مثال‌های کتاب از پژوهشی‌های صورت‌گرفته کاملاً مرتبط با حوزهٔ پژوهش در علوم سیاسی است. محقق مطالب خود را با عنایت به ضرورت انتقال واضح مفاهیم بیان می‌کند؛ مفاهیمی که دانستن آن‌ها مقدمهٔ ضروری شروع پژوهش در علوم اجتماعی و علوم سیاسی است؛ از این‌رو، مطالعه و بررسی کتاب به طیف متنوعی از پژوهش‌های کمی در علوم سیاسی می‌تواند یاری‌رسان باشد.

کتاب طراحی پژوهش‌های اجتماعی: منطق پیش‌بینی شامل یک مقدمه و هشت فصل است.

۲. تحلیل جایگاه اثر

کتاب بلیکی با ارجاعی تأمل‌برانگیز به اثر لیو و مارچ با عنوان *مقدمه‌ای بر مدل‌ها در علوم اجتماعی* آغاز می‌شود.

«جای رشک است، اما همیشه خداوند بر آن بوده که مسائل آسان نصیب فیزیک‌دانان باشد».

بلیکی خاطر نشان می‌سازد که پژوهش در علوم اجتماعی نسبت به علوم تجربی تاچه‌اندازه متفاوت و دشوار است؛ بنابراین، برای طراحی پژوهش در علوم اجتماعی به کوششی جدی دست زده و کتاب خود را نوشته است.

او در صفحات آغازین می‌گوید: «من کار خود را از دورترین نقاط نیم‌کره جنوبی در جزایر جنوبی نیوزلند و جنوب قاره اقیانوسیه آغاز کردم» (بلیکی ۱۳۹۲: ۱۶). ذکر این جمله یادآوری این مهم است که در جامعه دانشگاهی مطلوب کسی کتاب «روش تحقیق و روش پژوهش» را می‌نویسد که خود دوران عملی پژوهش‌گری را تجربه کرده است. در واقع، خود در میدان کار بوده است. بعضی از مؤلفان کتاب‌های روش پژوهش که شیوه‌های گوناگون پژوهش را به بحث گذاشته‌اند، خود، بعضی از آن روش‌ها را به کار نبسته‌اند و درحقیقت، خود آن‌ها هم چون مخاطبان کتاب با وجوه عملی کار بیگانه هستند.

نورمن بلیکی صراحتاً می‌گوید که دل‌مشغولی اصلی کتاب ارائه شیوه‌های عملی کار و معرفی فنون جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به دانشجویان است. وی این کتاب را عمدتاً برای آن دسته از دانشجویان دوره‌های تکمیلی علوم اجتماعی نوشته است که درصدد اجرای پروژه پژوهش تجربی برای پایان‌نامه یا رساله خود هستند و یا هم‌چنین کسانی که به‌تازگی به‌عنوان استاد راهنما در پژوهش‌های دوره‌های تکمیلی ایفای نقش می‌کنند (همان: ۱۵).

منظور وی از روش تجربی روش‌هایی است که برحسب تحلیل داده‌های تجربی انجام می‌پذیرد؛ بنابراین، مخاطب کتاب را پژوهش‌گران نظری محض نمی‌داند.

بلیکی راه آماده‌ساختن دانشجویان را در مواردی هم‌چون آشناکردن آن‌ها با منطق کاوش‌های اجتماعی، نشان‌دادن نقش نظریه اجتماعی در پژوهش، و ایجاد درک انتقادی روش‌های اصلی پژوهش و کمک به آن‌ها در آماده‌ساختن طرح پژوهش می‌بیند. او بیان می‌کند که این کتاب برای رسیدن به هدف چهارم نگاشته شده است (همان: ۱۷) و از دو اصل زیربنایی بهره گرفته است: نخست، آشناکردن گام‌به‌گام خواننده با اندیشه‌ها و مفاهیم جدید؛ دوم، بازنگری یک اندیشه یا فعالیت از دیدگاه‌های مختلف (همان: ۱۸). از نقاط قوت کتاب طرح مطالب نظری در پیوند و هم‌گام با توضیح شیوه پژوهش در دنیای واقعی است؛ یعنی توجه‌داشتن هم به بُعد عملی و هم به بُعد نظری کار پژوهش.

امری که جایگاه کتاب را ممتاز ساخته است توضیح‌های معلوم و روشن درخصوص مفاهیم پرتکرار و پایه‌ای است؛ برای مثال، در توضیح مفهوم «هستی‌شناسی» به‌سادگی بیان می‌کند که هستی‌شناسی به داعیه‌ها یا مفروضاتی اشاره دارد که درباره ماهیت واقعیت اجتماعی هستند؛ داعیه‌هایی درباره این‌که چه چیزی وجود دارد و چگونه به نظر می‌رسد، از چه عناصری تشکیل می‌شوند، و این عناصر چگونه با یک‌دیگر تعامل دارند. چنان‌چه معلوم است کتاب از غامض‌گویی و یا تکلف پرهیز کرده است. بنده به‌یاد دارم که چگونه ما دانشجویان علوم سیاسی در فهم واضح معنای مفاهیمی هم‌چون «هستی‌شناسی» و

«معرفت‌شناسی» دچار مشکل بوده‌ایم و چگونه کتاب‌های مختلف با توضیحاتی دشوار درباره آن مفاهیم پایه‌ای مشکل را تثبیت کرده‌اند و نه حل.

کتاب در توضیح مفهوم «معرفت‌شناسی» می‌گوید که آن به داعیه‌ها یا مفروضاتی مربوط می‌شود که درباره راه‌های ممکن کسب معرفت به واقعیت اجتماعی‌اند؛ صرف‌نظر از هر معنایی که واقعیت اجتماعی داشته باشد. به‌طور خلاصه، معرفت‌شناسی حاوی داعیه‌هایی درباره این امر است که چگونه می‌توان چیزی را که وجود آن پذیرفته‌شده است شناسایی کرد. یا هنگامی که کتاب با دقت نظر خاص آثار برجسته به تصحیح بعضی خطاها می‌پردازد. بلیکی خاطر نشان می‌کند که مفاهیم «روش‌شناسی» و «روش» معمولاً به‌جای هم به‌کار می‌روند و آن را اشتباهی تأسف‌آور و ناپسند می‌داند. این عمل درست مثل مخدوش کردن واژه «تکنیک» با «تکنولوژی» است. روش‌ها عبارت‌اند از: شیوه‌هایی که آدمیان در تلاش برای توضیح یا درک چیزی به‌کار می‌گیرند. روش‌شناسی مطالعه این روش‌هاست (همان: ۲۲).

از این رو، کتاب به بعضی ناهماهنگی‌ها در ادبیات موضوع نیز آگاهی دارد؛ بنابراین، جایگاهی برجسته در میان کتب مربوط به پژوهش در علوم اجتماعی به خود اختصاص داده است.

۳. تحلیل ساختاری و درونی اثر

۱.۳ گام نخست: تدوین پیش‌نهاد پژوهش و طرح پژوهش

این بخش از کتاب تفاوت میان طراحی پژوهش و پیش‌نهاد پژوهش را آشکار ساخته است (Montesano Montessori 2012: 203). از نکات برجسته این بخش ارجاعات دقیق و البته به‌جای کتاب است. کتاب ضمن پرهیز از ارجاع غیرضروری در جای‌جای نوشتار و به‌خصوص در صفحه نخست فصول مقصود خود را با یک ارجاع مهم و دقیق بیان کرده است. چنین است که بلیکی در آغاز فصل نخست و در موضوع تدوین پیش‌نهاد پژوهش و طرح پژوهش از کتاب مارشال و روسمن اصل موضوع طرح پژوهش را چنین ارجاع می‌دهد: «پیش‌نهاد پژوهش به این منظور تهیه می‌شود که خواننده متقاعد شود کار پیش‌نهادی کاری است مهم، دارای موضوعیت، مناسب، و جالب؛ و نیز متقاعد شود که طرح پژوهش طرحی است منسجم و پژوهش‌گر توانایی آن را دارد که این مطالعه را با موفقیت به‌پایان برساند».

کتاب با آن‌که پیوسته به بحث‌های جدی نظری می‌پردازد، تمرکزش بر الزامات عملی کار حفظ می‌شود و همان‌طور که اشاره شد این نکته مغفول بعضی از کتاب‌های روش تحقیق تألیف داخل کشور است.

بلیکی تأکید می‌کند که به نفع دانشجویانست که تا حد ممکن درباره آن‌چه می‌خواهد انجام دهد صریح و عاری از ابهام باشد و به دانشجویانش یادآور می‌شود که یک طرح پژوهشی می‌تواند از بیان بیش از یک مسئله یا مجموعه‌ای از معماهای مرتبط آغاز شود؛ چرا که تمام پژوهش‌ها نیاز دارند که با عطف به یک مسئله آغاز شوند (Blaikie 2007: 6).

بیان مقاصد معمولاً با توجیه آن‌ها نیز همراه است؛ یعنی چرا موضوع پژوهش ارزش مطالعه را دارد. در پژوهش‌های نظری‌تر شاید لازم باشد مشخص کنیم که چه نقص و شکافی در معرفت فعلی وجود دارد و چرا باید این شکاف پر شود. مرور مختصری از بخش‌هایی از ادبیات موضوع می‌تواند پروژه پیش‌نهادی را به معرفت موجود پیوند بزند. اما با وصف بعضی ارجاعات دقیق، در این بخش، محقق به تحقیقات پیشین اشاره چندانی نکرده است. با ذکر ادبیات پژوهش و ارائه توضیحات هر چند مختصر در مورد آن‌ها، مخاطب بهتر می‌توانست تفاوت کار بلیکی را با سایر آثار فهم کند.

۲.۳ برنامه، پرسش‌ها، و روش‌های پژوهش

در ایران، دانشجویان هنگام انجام پایان‌نامه و در حین ارائه پروپوزال گاهی فرم اولیه و خلاصه کار را ارائه می‌دهند و گاهی نیز فرم مفصل؛ و به هر دوی آن خواهند گفت پروپوزال؛ اما بلیکی به خوبی تفاوت را لحاظ کرده و پیش‌نهاد پژوهش و طرح پژوهش را از هم متمایز ساخته است.

طرح پژوهش، برخلاف پیش‌نهاد پژوهش، معمولاً یک سند عمومی نیست و احتمالاً فقط معدود کسانی که به پژوهش‌گر نزدیک هستند آن را می‌بینند. توجه دقیق به جزئیات و توجه به قابل‌اجرا بودن کل طرح کاملاً ضروری است (بلیکی ۱۳۹۲: ۳۸).

پرسش‌های پژوهش مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده هر طرح پژوهشی‌اند. از نظر بلیکی سؤال یکی از قسمت‌های بسیار مهم پژوهش است (Chomeczyński 2010: 96). با توجه به ضرورت و اهمیت حیاتی پرسش‌های پژوهش لازم است آن‌ها را به اختصار و صراحت بیان کرد. پرسش‌های پژوهش را می‌توان به سه نوع اصلی فروکاست: پرسش‌های «چیستی»، «چرایی»، و «چگونگی» (همان).

بلیکی می‌گوید که از نظر من قابل قبول است که صرفاً پرسش‌های پژوهش ارائه شوند و از اهداف ذکری به‌میان نیاید؛ اما برعکس آن قابل قبول نیست.

کتاب با زبانی گویا بیان می‌کند که پرسش‌های «چرا» به فهم یا تبیین و پرسش‌های «چگونه» به مداخله مربوط هستند. پرسش‌های «چیست» نیز مستلزم وجود فرضیه نیستند. به‌زعم کتاب هیچ فایده‌ای ندارد که به حدس و گمان برای پرسشی که صرفاً مستلزم پژوهش برای دستیابی به یک توصیف است پاسخی فراهم کنیم. از قضا، مابعد آن اهمیت دارد و از پی توصیف است که سؤال و معماهای پژوهش آشکار می‌شود (Blaikie 2003: 12).

روش مورد استفاده کتاب در توضیح مطالب روشن‌سازی مفاهیم مسئله محقق است. محقق به روش خود وفادار است و در بخش‌های مختلف آن را مراعات کرده است.

انتخاب و نوع رویکرد جهت پاسخ‌گویی به پژوهش مهم است؛ رویکردی که بلیکی به آن نوع استراتژی جهت پاسخ‌گویی می‌گوید. وی می‌گوید که «از نظر من، انتخاب استراتژی پژوهش یا ترکیبی از آن‌ها دومین تصمیم مهم در طرح پژوهش است».

توضیح کتاب در خصوص استراتژی‌ها نیز شیوا و رساست.

استراتژی پژوهش استقرایی از گردآوری داده‌ها آغاز می‌شود و سپس به سمت تعمیم‌هایی بر مبنای منطق موسوم به منطق استقرا پیش می‌رود. مقصود این است که ماهیت توالی‌های منظم در زندگی اجتماعی تعیین شود. وقتی این توالی‌های منظم به اثبات برسند می‌توان با استفاده از آن‌ها وقوع رویدادهای خاصی را با تعیین جایگاه این رویدادها در شبکه یا الگوی توالی‌های منظم تبیین کرد.

این استراتژی برای پاسخ‌گویی به پرسش «چیستی» سودمند است و کاربرد محدودتری نیز در پاسخ‌گویی به پرسش‌های «چرایی» دارد.

استراتژی پژوهش قیاسی نقطه شروع بسیار متفاوتی را اتخاذ می‌کند. این استراتژی به‌خصوص برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های «چرایی» مناسب است. این استراتژی از توالی منظم خاصی کشف شده و نیازمند تبیین است؛ بنابراین، طبق این ره‌یافت پژوهشی، معرفت به جهان اجتماعی از طریق فرایند آزمایش و خطا پیشرفت می‌کند. استراتژی پژوهشی پس‌کاوی نیز از یک توالی منظم مشاهده‌شده آغاز می‌شود اما در پی تبیین متفاوتی است. در این استراتژی، تبیین هنگامی به‌دست می‌آید که ساختار یا مکانیسم زیربنایی ایجادکننده نظم مشاهده‌شده شناسایی شود (بلیکی ۱۳۹۲: ۴۳). نقطه آغاز در استراتژی استفهامی جهان اجتماعی کنش‌گران اجتماعی است: نحوه برساختن واقعیت نزد آن‌ها، روش مفهوم‌سازی و معنابخشیدن آن‌ها به جهان اجتماعی‌شان، و معرفت ضمنی و ناآشکار آن‌هاست.

واقعیت اجتماعی آن‌ها یعنی شیوهٔ برساختن و تفسیرکردن فعالیت‌های جمعی در زبان آن‌ها نهفته است. پس، محقق مجبور است وارد دنیای آن‌ها شود تا انگیزه‌ها و دلایل فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها را کشف کند.

با همهٔ دقت‌نظری که مؤلف دارد گاهی بحث کلیات و یا جزئیات روش پژوهش چنان در کنار هم مطرح می‌شود که درون‌مایه یا مضمون کتاب را دچار اشکال می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که مباحث کلان نظری و جزئیات طراحی پژوهش در کنار هم طرح شده‌اند.

۳.۳ طراحی پژوهش

چنان‌چه پیش‌تر گفته شد هدف اصلی کتاب عنوان همین بخش است. نگارنده با فروتنی و نیز در جهت قوام‌بخشی به کار خود در همان آغاز ارجاعات مهمی را آورده است. ارجاع به کتاب مهم مقدمه‌ای بر پژوهش اجتماعی (*Introduction to Social Research*) از آن جمله است. بلیکی از کتاب لایبویس و هاگدورن آورده است که یک طرح پژوهش مشخص می‌سازد که با کدام شیوهٔ منطقی افراد یا سایر واحدها مورد مقایسه و تحلیل قرار می‌گیرند؛ طرح پژوهش پایه‌ای است برای تفسیر داده (همان: ۵۵).

در بخش دیگری از فصل حاضر، بلیکی به موضوع ارتباط میان انگیزه و پژوهش پرداخته است. جایی که کتاب می‌خواهد انواع پژوهش را توضیح دهد آن را در ارتباط با انگیزهٔ پژوهش‌گر توضیح می‌دهد؛ بدین ترتیب، فهم انواع پژوهش بسیار آسان‌تر می‌شود. بلیکی توضیح می‌دهد که انگیزش‌های اقدام به پژوهش با سه نوع پژوهش در ارتباط هستند؛ یعنی این که آیا پژوهش از نوع بنیادی یا نظری است یا پژوهش کاربردی و معطوف به سیاست اجرایی.

پژوهش بنیادی با تولید دانش برای درک بیش‌تر سروکار دارد و پژوهش کاربردی با تولید دانش برای اقدام به عمل. پژوهش بنیادی در پی پیش‌برد معرفت بنیادی دربارهٔ جهان اجتماعی و به‌خصوص در پی ساختن و آزمون‌کردن نظریه‌هاست. پژوهش کاربردی متوجه نتایج علمی است و می‌کوشد مسائل علمی را حل کند و به مسئولان کمک کند تا وظایف خود را انجام دهند (همان: ۷۴).

جهت‌گیری پژوهش‌های بنیادی و کاربردی نیز متفاوت است. در تحقیقات بنیادی پژوهش‌گران جداافتاده‌تر و دانشگاهی‌ترند و انگیزش‌های خود را تعقیب می‌کنند. پژوهش‌گران کاربردی عمل‌گراترند و در پی ایجاد اصلاحات و تغییرات‌اند.

۴.۳ پرسش‌ها و اهداف پژوهش

از دیگر ویژگی‌های خوب کتاب انجام دسته‌بندی‌های دقیق و مختصر است. بلیکی درباره پرسش آورده است که پرسش‌های پژوهش را می‌توان در سه نوع اصلی دسته‌بندی کرد: پرسش‌های «چيست»، پرسش‌های «چرا»، و پرسش‌های «چگونه»؛ یعنی توصیف، تبیین / فهم، و تغییر (همان: ۲۱).

بلیکی در ادامه بحثش موضوع مهمی را خاطر نشان می‌کند. وی درباره انتخاب موضوع از سوی دانشجویان می‌گوید که بسیاری از دانشجویان دوره تکمیلی ظاهراً اشتیاق دارند موضوع بسیار جاه‌طلبانه‌ای را به عنوان موضوع رساله خود برگزینند. کاری که یک فرد در محدوده زمانی مشخص می‌تواند انجام دهد محدود است و او فقط می‌تواند سهم کوچکی در پیشرفت معرفت علمی داشته باشد. این نکته‌ای بود که استاد درس «روش شناخت در روابط بین الملل» بارها دانشجویان را به رعایت آن و داشتن فروتنی علمی دعوت می‌کرد. باین که برخی از دانشجویان ممکن است درباره آن چه باید برای دریافت درجه بالاتر انجام دهند کاملاً واقع‌بین باشند برخی هم ظاهراً نیاز شدیدی دارند که تظاهر کنند سهم عمده‌ای در پیشرفت معرفت علمی خواهند داشت. چنین روحیه‌ای نه تنها توقعی غیرواقع‌بینانه برای یک پژوهش مقطع دکتری است، بلکه اصولاً در هر نوع پژوهش برای گرفتن مدارک دانشگاهی غیرممکن است. این مسئله برای دانشجویانی حادث است که در حال گذراندن دوره آموزشی هستند که در آن واحدهای کمی به پروژه، رساله، یا پایان‌نامه اختصاص داده می‌شود (همان: ۹۶-۹۷). وجود چنین مطلبی در کتاب بلیکی نشان از دقت وی در لحاظ مسائل عملی مربوط به کار پژوهش دانشجویان است. بنده برای انتخاب موضوع پایان‌نامه دکتری حساسیت خاصی داشتم؛ بنابراین، در پی انتخاب موضوعی مهم و، به بیانی دیگر، ویژه بودم. زمانی که موضوع را با استاد درس «روش شناخت در روابط بین‌الملل» در میان گذاشتم وی نیز باصراحت همین مطالب را گوش زد کردند.

بلیکی ادامه کتاب خود را با عطف به آرای مهم صاحب‌نظرانی پی می‌گیرد که نظرات آنان در فهم مباحث بسیار کارگر است. به عنوان مثال، زمانی که می‌خواهد تفاوت فهم و تبیین را توضیح دهد به آرای اندیشمندان آلمانی رجوع می‌کند.

تبیین‌ها توسط پژوهش‌گرانی تولید می‌شوند که از «بیرون» پدیده‌ای را مشاهده می‌کنند؛ در حالی که فهم مبتنی بر دیدگاهی «از درون» است که در آن پژوهش‌گر آگاهی ذهنی و تفاسیر کنش‌گران اجتماعی درگیر در آن عمل را درمی‌یابد (همان: ۱۰۵).

تمایز میان تبیین کردن (erklaren) و فهم کردن (verstehen) در میان دانش‌پژوهان آلمانی سابقه طولانی دارد. باین‌که برخی از نویسندگان استدلال کرده‌اند که تبیین علی مناسب علوم طبیعی است و تبیین دلیلی مناسب علوم انسانی یا اجتماعی، نویسندگان دیگری هم هستند که معتقدند هر دو نوع تبیین می‌توانند در علوم اجتماعی مورداستفاده قرار گیرند. موضعی که در کتاب بلیکی اتخاذ می‌شود این است که هم تبیین و هم فهم اهداف مناسبی برای علوم اجتماعی هستند، اما آن‌ها انواع متفاوتی از توضیح معقول فراهم می‌آورند (همان).

وی برای رساندن مقصود خود با ارائه مطالب نظری مهمی به شفاف‌سازی ایده‌هایش می‌پردازد. وی در این کار از روش توضیح و تحلیل بهره می‌برد؛ از این‌رو، وی حقایق نظری مهمی را درباره موضوعی که مورد بحث وی است می‌آورد و آن را شفاف می‌نماید.

۵.۳ استراتژی‌های پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش

کتاب ایده مرکزی و یا ابتکاری خود، یعنی استراتژی‌های پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش، را در قالب تمثیل توضیح می‌دهد. این‌که آیا از نظر روشی تلاش وی قابل‌پذیرش است یا خیر محل سؤال است؛ اما می‌توان گفت تمثیلی که وی برای انتقال منظور خود به‌کار گرفته روشن و مفید است.

تمثیل وی با عنوان دانشمندانی از فضا گویا و مفصل بیان شده است. موضوع بدین ترتیب است که دانشمندان آمده از فضا شناختی از زمین ندارند. آن‌ها سعی دارند زمین و زمینیان را بشناسند. هر دسته از آن دانشمندان شیوه خاص خود را پی می‌گیرند که بیان‌گر استراتژی خاص آنان برای کشف حقیقت است. بلیکی می‌گوید که اگرچه پیش‌تر سفرهایی از آن سیاره به زمین صورت گرفته است، اما این سفر توسط دانشمندان صورت می‌پذیرد. بلیکی در توضیح نوع برخورد دانشمندان فضایی با ناشناخته‌های زمین آورده است که:

در یکی از روزهای آینده نزدیک، سفینه‌ای از فضا وارد زمین می‌شود که دانشمندان اجتماعی بیگانه‌ای را بر عرشه خود حمل می‌کند. دیدار از زمین توسط ساکنان سیاره یاراک یاو (ی ی) قبلاً نیز رخ داده بود؛ اما این اولین بار بود که دانشمندان اجتماعی به زمین می‌آمدند (همان: ۱۲۲).

برای مثال، گروه استفه‌امی به‌جای آن‌که صرفاً به مشاهده رفتارها پردازد بر این عقیده بود که مهم دریافتن آن است که خود زمینی‌ها چگونه کارهای خود را تفسیر می‌کنند؛ یعنی واقعیت اجتماعی زمینی؛ همان‌گونه که زمینی‌ها آن را می‌فهمند درک کنیم؛ معرفت روزمره‌ای را که آن‌ها در کنش متقابل اجتماعی خود به‌کار می‌گیرند کشف کنیم. چهار استراتژی پاسخ‌گویی توسط بلیکی به شرح زیر است.

هدف	استقرایی	قیاسی	واپس‌کاری	استفه‌امی
اثبات تعمیم‌های عامی که هم‌چون الگوهای تبیین به‌کار می‌آیند.	آزمون نظریه‌ها برای حذف نظریه‌های غلط و پذیرش موقت نظریه‌های ابطال‌نشده	کشف مکانیسم‌های زیربنایی برای تبیین قواعد مشاهده‌شده	توصیف و فهم زندگی اجتماعی براساس انگیزش‌ها و تعبیر کنش‌گران اجتماعی	هدف
انباشتن مشاهدات یا داده‌ها تعمیم‌دهی	اقتباس یا برساختن یک نظریه و بیان آن به‌صورت یک استدلال استنتاج فرضیه‌ها	ثبت و مدل‌سازی یک قاعده برساختن مدل فرضی یک مکانیسم	کشف مفاهیم، معانی، و انگیزش‌های روزمره عامیانه پروراندن تعبیری فنی از مفاهیم عامیانه	از
استفاده از این قوانین به‌مثابه الگوهایی برای تبیین مشاهدات بعدی	آزمون فرضیه‌ها از طریق مقایسه آن‌ها با داده‌ها	یافتن مکانیسم واقعی با مشاهده و آزمایش	پروراندن یک نظریه و آزمون مکرر آن	به

(همان: ۱۳۶)

به‌نظر می‌رسد که دسته‌بندی استراتژی‌های پاسخ‌گویی به چهار مورد نه‌تنها تقلیل‌گرایی نیست بلکه راه‌گشا و مفید نیز هست. بعضی از روش‌هایی که در این‌جا نامی از آن برده نشده در قالب یکی از این چهار استراتژی قابل‌تقسیم‌بندی است؛ و درواقع، آنان روش هستند و نه استراتژی پاسخ‌گویی. به‌عنوان مثال، روش هرمنوتیک را می‌توان در تقسیم‌بندی استراتژی استفه‌امی جای داد.

وی اثبات‌گرایی را توضیح می‌دهد و آن را شالوده استقرآگرایی می‌داند. بلیکی تشریح می‌کند که پوزیتیویسم که شالوده استراتژی استقرایی است حاوی مفروضات هستی‌شناختی درباره جهان منظمی است که از رویدادهای پراکنده و قابل‌مشاهده ساخته شده است. این دیدگاه مدعی است که این نظم و ترتیب را می‌توان به‌صورت قضایای عام نشان داد. فرض بر این است که انسان‌های کارآزموده می‌توانند داده‌های «عینی» تولید کنند. اندیشه‌های مربوط به قیاس به دوره باستانی بازمی‌گردد تا هندسه اقلیدسی و منطق ارسطویی (همان: ۱۳۸). بلیکی توضیح می‌دهد که بیکن علم را مبتنی بر مشاهده بدون پیش‌فرض می‌دانست؛ با

پاک کردن ذهن از همه پیش‌داوری‌ها و تعصبات می‌توان کتاب طبیعت را با نگاهی تازه قرائت کرد. جان استوارت میل، با اعتقاد به این که قصد علم اثبات قوانین کلی است، روش آزمایشی اولیه‌ای برای شناسایی علت و معلول‌های احتمالی پیشنهاد کرد (همان: ۱۳۷).

وی در توضیح استراتژی استقرایی می‌گوید که طبق نظر پوپر مشاهدات همیشه از یک دیدگاه خاص به عمل می‌آید و همواره دارای یک چهارچوب مرجع و مجموعه‌ای از چشم‌داشت‌هاست که اندیشه مشاهده بدون پیش‌فرض را غیرممکن می‌سازد.

یا در مثال دیگری، زمانی که بلیکی به استراتژی پس‌کاوی می‌پردازد، مبانی آن را با ارجاعات مناسبی تشریح کند. وی بیان می‌کند که استراتژی پس‌کاوی منطق تحقیق مشابه با ره‌یافت فلسفی واقع‌گرایی علمی یا، به‌طور خاص‌تر، واقع‌گرایی استعلایی (transcendental realism) باسکار و واقع‌گرایی سازه‌ای (constructivist realism) هاره است. این نویسندگان به‌شدت پوزیتیویسم و عقل‌گرایی انتقادی را مورد حمله قرار می‌دهند و در عوض چیزی را ارائه کرده‌اند که از نظر آن‌ها، هستی‌شناسی برتر و منطق تحقیق مستحکم‌تری است (همان: ۱۴۴).

پاوسون (Pawson) و تیلی (Tilley) استدلال می‌کنند که همه قواعد اجتماعی در بستر دامنه وسیع‌تری از فرایندهای اجتماعی و لایه‌های متفاوتی از واقعیت اجتماعی قرار دارند. مفهوم استفهام کاربرد محدودی در فلسفه و علوم اجتماعی داشته است (همان: ۱۵۰). بلیکی خاطر نشان می‌کند که من فقط دو نفر را می‌شناسم که از این واژه استفاده کرده‌اند. پیرس (Peirce) استفهام و پس‌کاوی را به‌صورت مترادف به‌کار می‌برد. به‌دنبال پیرس، ویلر (Willer) استفهام را فرایند خلق نظریه می‌داند؛ بنابراین، استراتژی پژوهش استفهامی در بردارنده مفروضات هستی‌شناسانه‌ای است که واقعیت اجتماعی را هم‌چون برساخته اجتماعی کنش‌گران اجتماعی تلقی می‌کند. این واقعیت آفریده آن‌هاست و مستقل از فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها با یک‌دیگر وجود ندارد (همان: ۱۵۲).

چنین دغدغه‌هایی یعنی از «استقراء تا استفهام» برای پژوهش‌گران دیگری نیز مطرح بوده است. سهیل عنایت‌الله، که از نظر سابقه پژوهش و نیز تعلق به جامعه دانشگاهی جنوب شرق آسیا شباهت‌هایی با بلیکی دارد، همین وجوه و رویکردهای متفاوت روش پژوهش را در نظر داشته و سعی در اتخاذ رویکردی ترکیبی در روش آینده‌پژوهشی خود داشته است؛ چنان‌چه «روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها» (causal layered analysis) وی از جدیدترین و، در عین حال، جذاب‌ترین رویکردهای آینده‌نگری است که طی دو دهه اخیر مطرح و در مطالعات اجتماعی و سیاسی مختلفی^۴ به‌کار گرفته شده است.

هم‌چون بلیکی، پایه‌گذار این رویکرد - سهیل عنایت‌الله - اذعان داشته که در طول تحصیلات دانشگاهی‌اش (۱۹۷۵-۱۹۹۰) شاهد مناقشات بی‌پایان روش‌شناختی میان تجربه‌گرایان و تفسیرگرایان بوده است. گروه نخست اصل را بر عینیت پدیده‌های اجتماعی و ضرورت داده‌های کمی در مورد این پدیده‌ها قرار داده و به دنبال آن بودند تا پژوهش‌های اجتماعی را مشابه و هم‌گون با علوم تجربی سازند. گروه دوم اما بر معناداری و نیت‌مندی پدیده‌های اجتماعی تأکید می‌کردند و پژوهش‌های کمی را به علت ناتوانی در توضیح مسائل و عوامل پنهان در ذهن و زبان کنش‌گران انسانی تحقیر می‌کردند. تا آن‌جا که به مطالعات آینده‌نگر مربوط بود تجربه‌گرایان تحلیل روندها و چشم‌داشت از آینده را متکی به بررسی‌های تجربی محض می‌دانستند اما تفسیرگرایان درک کنش‌گران انسانی از وضع موجود و آینده مطلوب را مهم‌تر تلقی می‌کردند؛ از این رو، عنایت‌الله بر اساس چنین تجارب و ذهنیتی درصدد فائق‌آمدن بر این دوگانه‌انگاری برآمد. او در آثار متعددی ضمن توجه به دستاوردهای آینده‌پژوهان شناخته‌شده‌ای چون لین‌استون، ماسینی، سردار، آمارا، و بزولد سعی کرد عدم کفایت بررسی‌های عینی و روش‌های کمی را در آینده‌پژوهی گوش‌زد کند و اهمیت توجه به فرهنگ و گفتمان را نیز نشان دهد (Inayatullah 1998: 25)؛ بنابراین، رویکرد ترکیبی پژوهش‌گرانی هم‌چون سهیل عنایت‌الله ادامه دغدغه‌های روش‌شناسی بلیکی است؛ برای مثال، در پژوهش «تأثیر بسط فناوری بر دولت و فرد» جنبه استقرایی تا استفهامی پژوهش با رعایت سطوحی چهارگانه ممکن می‌شود. چنان‌چه سطح نخست شامل جمع‌آوری داده‌های کمی در خصوص متغیرهاست و توضیح عددی داده‌ها عمده کار این بخش است. در سطح دوم، لایه‌های اقتصادی، اجتماعی پشتیبان یا مقابل سطح نخست مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مرحله توضیح ساختاری است. سطح سوم به دیدگاه‌ها و گفتمان‌ها در تولید و یا مخالفت با شرایط مراحل پیشین اشاره خواهد شد. در سطح چهارم، مشابه آنچه در استراتژی استفهامی بلیکی مطرح است، «تحلیل اسطوره‌ها به شناخت بطن‌های عمیق و پنهان روح و روان فردی و جمعی می‌پردازد» (Inayatullah 2007: 125).

۶.۳ مفاهیم، نظریه‌ها، فرضیه‌ها، و مدل‌ها

بلیکی در این بخش به توضیح مفاهیم مهمی در مبحث روش پژوهش می‌پردازد. این فصل دیدگاه‌های کلاسیک و معاصر در باب رابطه نظریه و تحقیق را مطرح می‌سازد (Montesano Montessori 2012: 203). وی هرکدام از آن مفاهیم را با جملاتی دقیق و

راه‌گشا توضیح می‌دهد. کتاب چهار سنت استفاده از مفاهیم در علوم اجتماعی را شامل سنت هستی‌شناختی، عملیاتی‌سازی، حساس‌سازی، و هرمنوتیکی می‌داند و تشریح می‌کند که سنت هستی‌شناختی با تثبیت خصوصیات اصلی واقعیت اجتماعی سروکار دارد، سنت عملیاتی‌سازی با مشخص‌ساختن و اندازه‌گیری مفاهیم برای ساختن متغیرهایی برای پروژه پژوهشی خاص، و سنت حساس‌سازی با تعریف یک مفهوم انعطاف‌پذیر اولیه در جریان پژوهش و سنت هرمنوتیکی با اقتباس مفاهیم فنی از زبان عامیانه انجام می‌پذیرد.

مشخص است که بلیکی موضوع موردتألیف خود را به‌خوبی می‌شناسد. وی جمالاتی را در توضیح مسائل آورده است که کاملاً مستقل و خاص زبان خود وی است؛ به‌عنوان مثال، بلیکی در توضیح تفاوت سنت هرمنوتیکی با سنت حساس‌سازی آورده است که سنت هرمنوتیکی از این نظر با سنت حساس‌سازی تفاوت دارد که مفاهیم مورد استفاده پژوهش‌گر برای توصیف و فهم هر پدیده اجتماعی (مفاهیم فنی) در زبان روزمره کنش‌گران اجتماعی مورد پژوهش ریشه دارند، نه در زبان تخصصی رشته علمی پژوهش‌گر.

در مورد نظریه، ماهیت و ضرورت به‌کارگیری آن، بلیکی مباحث جدید و کاملاً متفاوتی از دیگر کتاب‌ها مطرح می‌نماید؛ بنابراین، مطالب بلیکی جدید و متفاوت به‌نظر می‌رسد. بلیکی در این راه ارجاعات مناسبی را نیز ذکر و آن‌ها را بحث می‌کند.

مثلاً، در باب تفوق اجبارگونه نظریه بر پژوهش، آرای میلز در باب نظریه را آورده است که وی نظریه بزرگ را بر دو نوع می‌داند که هر دو در همین فصل مورد بحث بوده‌اند. نوع اول در آثار کنت، مارکس، اسپنسر، و وبر دیده می‌شود که می‌گویند «نظریه‌ای در باب تاریخ بشر» بنا کنند.

دومین نوع نظریه بزرگ با ایجاد نظریه‌ای سیستماتیک از سرشت بشر و جامعه سروکار دارد، مثل آنچه در کار زیمل و فون ویزه دیده می‌شود.

راه‌حل میلز برای این افراط‌کاری‌ها تاحدی با سایرین تفاوت دارد. از نظر میلز، مسئله این نیست که راه میانه‌ای بین بلندی‌های رفیع نظریه و فعالیت‌های معمولی گردآوری داده‌ها پیدا می‌شود، بلکه او طرف‌دار استفاده از تخیل جامعه‌شناسی به‌منزله راهی برای فهم رفتاری‌های شخصی و مسائل عمومی است. تخیل جامعه‌شناسی دارنده خود را قادر می‌سازد که صحنه تاریخی بزرگ‌تری را برحسب معنای آن برای زندگی درونی و شخصی و حرفه و کسب‌وکار بیرونی افراد گوناگون درک کند. منظور این است که پژوهش‌گر به‌جای گرفتار شدن در الزامات به‌کارگیری نظریه‌های بزرگ تخیل او را قادر می‌سازد که

دریابد چگونه افراد در ملغمه تجربه‌های روزانه خود غالباً آگاهی کاذبی از موقعیت‌های اجتماعی خود دارند (بلیکی ۱۳۸۷: ۱۹۸).

به نظر می‌رسد که مترجم محترم باید معادل لاتین «تخیل جامعه‌شناسی» را ذکر می‌کرد؛ چراکه به فهم مخاطبان از مطلب یاری‌رسان بود.

طرح مطالب از سوی بلیکی با چند مقصود مهم هم‌راه است. وی، از یک سو، هم مفاهیم و مطالب مطروحه در موضوع پژوهش را عنوان می‌کند و هم سعی دارد بعضی ابهامات در ذهن دانشجویان و پژوهش‌گران را رفع نماید. وی راجع به مدل بیان می‌دارد که ظاهراً استفاده از مدل در یک پژوهش موجب این گمان می‌شود که بر غنا و مشروعیت پژوهش افزوده شده است. بحث درباره نقش نظریه و مدل در پژوهش، به واسطه خلط این دو مفهوم با یکدیگر، گاهی غامض می‌شود. بعضی از نویسندگان حتی این دو را ترکیب می‌کنند و از اصطلاح «مدل‌های نظری» استفاده می‌کنند.

۷.۳ منابع داده‌ها و انتخاب داده‌ها

بلیکی بحث داده را با عطف به محیط آن شروع می‌کند. صرف نظر از این که داده‌ها دست‌اول باشند یا دست‌دوم یا دست سوم، آن‌ها از چهار نوع محیط مختلف به دست می‌آیند:

- محیط‌های اجتماعی طبیعی،
- محیط‌های نیمه‌طبیعی،
- محیط‌های تصنعی و محصولات - مصنوعات اجتماعی (همان: ۲۳۹).

وی پدیده‌های اجتماعی خرد، میانه، و کلان را در دسته محیط‌های اجتماعی طبیعی قرار داده است و بیان می‌کند که پدیده‌های اجتماعی خرد در وهله اول شامل افراد در محیط اجتماعی روزمره می‌شود؛ پدیده‌های اجتماعی میانه شامل سازمان‌ها، اجتماعات محلی، جماعت‌ها، و نهضت‌های اجتماعی می‌شوند؛ و پدیده‌های اجتماعی کلان جستارهای اجتماعی بسیار انتزاعی و یا بسیار بزرگ‌تر از پدیده‌هایی هستند که قبلاً درباره آن‌ها بحث کردیم. محیط‌های مصنوعی نیز دامنه محدودی از پژوهش‌های اجتماعی مردم را در شرایط آزمایشی یا شبیه‌سازی شده قرار می‌دهند.

بلیکی نشان می‌دهد که چقدر با اعمال اصول مطروحه در روش پژوهش و دشواری‌های به‌کارگیری آن آشناست؛ لذا، همواره به جنبه عملی و کاربردی گفته‌هایش نظر دارد. وی می‌گوید یکی از کژفهمی‌های رایج در نمونه‌گیری این است که نمونه باید نسبت

از جمعیت باشد؛ مثل ده درصد. در واقع، می‌توان جمعیت‌های بسیار بزرگی را با نمونه‌های نسبتاً کوچک مورد مطالعه قرار داد. کتاب سپس موضوعات مورد ایراد خود را که در فرایند حضور در دانشگاه و تحقیقات با آن روبه‌رو بوده است به سؤال می‌کشانند. بلیکی بیان می‌کند که من هیچ نمی‌فهمم چرا ده درصد را عددی جادویی برای تعیین حجم نمونه می‌پندارند. من به قدری این عدد را از سوی همکاران و دانشجویان شنیده‌ام که دیگر از آن بیزار شده‌ام. آوردن این ایراد از آن جهت بود که نشان داده شود وی کتاب را با عطف به دغدغه و مسئله‌اش نگاشته است.

از جمله این خطاهای پرتکرار پژوهشی در ایران می‌توان از انتخاب روش تحقیق نام برد؛ چنانچه در بسیاری از پایان‌نامه‌ها درج می‌شود روش «توصیفی - تحلیلی» و گویا آن راه‌کاری برای لحاظ شکلی و صوری روش تحقیق در پایان‌نامه است و نه روشی که به‌واقع به کمک محقق بیاید.

۸.۳ روش‌های پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش

بلیکی هیچ موضوعی را در روش پژوهش بدون بحث نگذاشته است و به همه آن‌ها پرداخته است.

وی در بخش فنون گردآوری داده‌ها با جملات راه‌گشا و مفیدی بحث خود را شروع می‌کند؛ چنانچه بیان می‌کند که رایج‌ترین روش‌های جمع‌آوری داده‌های کمی در علوم اجتماعی، بی‌شک، پرسش‌نامه خودتنظیم‌شونده و مصاحبه ساخت‌یافته‌اند که هرکدام پژوهش‌گر را دور از فرایندهای اجتماعی طبیعی نگه می‌دارند. شبهه فراوانی، به‌خصوص در ادبیات عمومی، درباره نحوه تشخیص این دو روش وجود دارد. متداول‌ترین اشتباه این است که اصلاً این دو را از هم تمیز نمی‌دهند و بنابراین، فرض می‌کنند که این دو یکی هستند. گاهی «پیمایش» برای اشاره به پرسش‌نامه به کار می‌رود و پرسش‌نامه نیز ظاهراً در مصاحبه‌های ساخت‌یافته مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برخی از صور مشاهده مشارکتی به‌عنوان روش کلاسیک «انسان‌شناختی» در نظر گرفته می‌شوند و ناب‌ترین شکل روش کیفی محسوب می‌شوند. در این روش، از مشارکت تعاملی بهره گرفته می‌شود (Blaikie 2007: 98).

اکثر روش‌های کیفی، اگر باظرافت و دقت مورد استفاده قرار گیرند، در مقایسه با فنون کمی نسبتاً زمان بیش‌تری می‌برند.

بلیکی در جملاتی روشن‌گرانه بعضی قضاوت‌ها را اصلاح می‌کند. وی بیان می‌کند که مقایسه کیفی - کمی اغلب با تمایز میان عینی - ذهنی یکسان دانسته می‌شود. این کار بسیار گمراه‌کننده است.

قسمت آخر این بخش مربوط به چهار مثال پژوهشی است. این چهار نمونه از طرح‌های پژوهشی مبتنی بر برنامه‌های پژوهشی نورمن بلیکی هستند. بلیکی درباره آن طرح‌ها می‌گوید که این چهار طرح همگی به یک برنامه پژوهشی در جامعه‌شناسی محیط‌زیست مربوط می‌شوند (همان: ۳۵۸) سپس اضافه می‌کند که چون در سال‌های اخیر در این زمینه کار کرده‌ام به حد کافی با ادبیات این موضوع آشنا هستم و در انجام این نوع پژوهش نیز تجربیاتی دارم. این طرح‌ها شامل موضوعاتی چون جهان‌بینی و رفتار زیست‌محیطی بین دانشجویان و ساکنان، سن و محیط‌گرایی: آزمون فرضیه‌های رقیب، تفاوت جنسیتی در محیط‌زیست‌گرایی: به‌سوی تبیین، و انگیزش رفتار مسئولانه زیست‌محیطی: مورد فعالیت‌های زیست‌محیطی است. از آن‌جاکه این پژوهش‌ها با حضور خود بلیکی انجام پذیرفته است مطالعه این بخش می‌تواند به فهم کامل کتاب کمک کند.

۴. نقد شکلی و محتوایی اثر

جنس جلد کتاب از انواع مقواهای نازک و اصطلاحاً جلد شومیز هست؛ بنابراین، حسن استحکام جلد گالینگور را دارا نیست، اما از سنگین‌شدن غیرضروری کتاب جلوگیری کرده است. قلم عنوان متناسب با موضوع و واضح انتخاب شده است. جلد کتاب مخاطب را یاری می‌کند که موضوع کتاب را پیش‌بینی کند و طرح آن به‌خوبی بیان‌گر موضوع و محتوای آن است. در طراحی جلد به مضمون کتاب اهمیت داده شده است. تصاویر جلد متناسب و نیت‌مند انتخاب شده است. جلد پشتی کتاب نیز کمک می‌کند تا خواننده ایده و داستان کتاب را دریابد.

نوع قلم و نیز آرایش و ترکیب تایپ در صفحات خوب و متناسب با متون علمی صورت پذیرفته است. تعیین محل حروف و اندازه آن هم به‌خوبی رعایت شده است. صفحه‌آرایی کتاب مناسب با موضوع کتاب است. کیفیت چاپ بسیار خوب و در هیچ کجای کتاب پراکندگی رنگ و جوهر مشاهده نمی‌شود. تمام صفحات در یک اندازه برش و هیچ دو صفحه به‌هم چسبیده در کتاب وجود ندارد؛ بنابراین، تنظیم و به‌هم‌بستن صفحات خوب انجام شده است. عطف کتاب نیز معمولی است و نمی‌تواند در بلندمدت از فرسوده یا پاره‌شدن کتاب جلوگیری کند.

قطع کتاب، یعنی قطع وزیری، رایج‌ترین قطع برای این جمله از کتاب‌هاست؛ بنابراین، افراد به راحتی می‌توانند آن را به‌همراه داشته باشند و فضای زیادی را نخواهد گرفت؛ هم‌چنین آن‌که کتاب اغلاط املائی ندارد.

در باب محتوا، ابتدا باید خاطر نشان کرد که کتاب بلیکی هیچ مرحله‌ای را ساده و بدیهی نمی‌بیند و در پی توضیح تمام مفاهیم مطرح در مسئله پژوهش است. در پرتو این امر، بلیکی از جملاتی راه‌گشا و دقیق استفاده می‌کند که برای دانشجویان بسیار آموزنده است. نسبت به سایر کتب روش پژوهش و روش تحقیق کتاب بلیکی از دقت نظر بالایی برخوردار است. توضیحات تکمیلی و دقیق بلیکی به خواننده کمک می‌کند که اگر معنا و یا کاربرد مرحله‌ای را به‌خوبی دریافت نکرد، امید داشته باشد که در صفحات بعدی آن را دریابد.

تعهدات نظری یا سیاسی برخی از پژوهش‌گران موضوع مهمی است که بلیکی به آن پرداخته است؛ برای مثال، نظریه‌پردازان انتقادی و پژوهش‌گران فمینیست با تعهدات انقلابی و رهایی‌بخش می‌توانند پژوهش‌های بنیادی تولید کنند که جداافتگی در آن‌ها مشاهده نمی‌شود.

موضوع رهایی محقق آزاد از ملزومات ساختاری و بوروکراتیک کشورها موردی است که بیان و ارائه آن ضروری است و در دنیای واقعی و عملی نیز توجه به آن مهم است؛ بنابراین، نقد حاضر توصیف‌های کتاب در این قسمت را مهم می‌داند.

شیوه توضیح بلیکی با عطف به نیاز پژوهش‌گران است؛ چیزی که در سایر کتاب‌ها کم‌تر مشاهده می‌شود؛ مثلاً، درباره پژوهش بنیادی آورده است که هدف اصلی سهم‌داشتن در معرفت بنیادی و نظری است و موفقیت در صورتی به‌دست می‌آید که نتایج در یک نشریه علمی و از سوی سایر اعضای اجتماع علمی مورد توجه قرار گیرند. جملات فوق صریح و روشن بودن کتاب را نشان می‌دهند.

در کتاب‌های روش تحقیق، همواره بعضی مطالب تکرار می‌شود؛ به‌عنوان مثال، مبحث روش‌های کمی یا کیفی موضوع تکراری بسیاری از این کتاب‌هاست و به یک شیوه معمول توضیح داده می‌شوند؛ اما شیوه توضیح مطالب توسط بلیکی جنبه مبتکرانه و مستقل‌تری دارد. در همین باره وی از کاربرد واژه‌های جدید ابایی ندارد. وی آن‌قدر در موضوع کتاب صاحب نظر است که خود را محق بداند از واژه‌های متفاوت استفاده کند. نویسنده کتاب در جدول تقابل عناوین روش‌های کمی و کیفی از دو واژه «قصه‌گو و مؤنث» برای روش

کیفی و دو واژه «عدد پراکن و مذکر» برای روش کمی استفاده می‌کند. واژه‌های کتاب بسیار توضیح‌دهنده است. او این دو جفت واژه را بر فهرست تقابل‌های روش‌های کمی و کیفی هافپنی (Halfpenny) اضافه کرده است (همان: ۳۱۷).

دسته‌بندی‌های عالمانه کتاب موجب می‌شود که کتاب جنبه آموزشی بالایی داشته باشد؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را از جمله منابع رؤس درسی به حساب آورد. مثلاً توضیح وی در باب انفصال و اتصال پژوهش‌گر و محیط بسیار مشخص و یاری‌رسان است. بلیکی در مطلبی با عنوان «نقش‌های پژوهش‌گر» آورده است که انتخاب مهمی که همه پژوهش‌گران اجتماعی ناچار از آن هستند موضع آنان در قبال فرایند پژوهش و شرکت‌کنندگان در این فرایند است. این مواضع از انفصال کامل تا درآمیختگی کامل را در بر می‌گیرد. دست‌کم شش موضع ممکن وجود دارد:

۱. موضع سنتی «علمی» موضع مشاهده‌گر منفصل (detached observer) است.
 ۲. موضع دوم مشاهده‌گر هم‌دل (empathetic observer) است که پژوهش‌گر بتواند خود را به جای کنش‌گران اجتماعی بگذارد. این موضع را عموماً تفهم (verstehen) می‌نامند.
 ۳. موضع سوم گزارش‌گر وفادار (faithful partner) است که نقش پژوهش‌گر انفصال کم‌تری دارد. هدف این است که روش زندگی طوری گزارش شود که به شرکت‌کنندگان در تحقیق اجازه داده شود که «به زبان خود سخن بگویند».
 ۴. موضع چهارم، که ایده انفصال را نفی می‌کند، بسط موضع سوم به حساب می‌آید. در این موضع، پژوهش‌گر میانجی زبان‌ها (mediator of language) است.
 ۵. موضع پنجم به نظریه انتقادی مربوط می‌شود. پژوهش‌گر در نقش یک شریک متفکر (reflective partner) ظاهر می‌شود که درگیر رهایی مردم از هر نوع ستمی است که تجربه می‌کنند.^۵
 ۶. صورت دیگری از موضع پنجم، یعنی موضع ششم، به پژوهش‌های فمینیستی مربوط می‌شود و شامل جانب‌داری آگاهانه (conscious partiality) است. باز هم توجه اصلی به رهایی است؛ این بار به رهایی زنان.
- بعد از هرگونه دسته‌بندی، بلیکی همواره مباحث نظری مرتبط را می‌آورد. بلیکی در ادامه دسته‌بندی فوق می‌گوید:

هابرماس به پیروی از هوسرل «توهم عینی‌گرایی» پوزیتیویسم را نفی می‌کند؛ موضوعی که طبق آن دنیا، به مثابه جهانی از وقایع، مستقل از «مشاهده‌گر» دانسته می‌شود. اگر

«تأمل» از اجزای سازنده فعالیت‌های اجتماعی روزمره است، پس باید در فعالیت‌های «روزانه» پژوهش‌گران اجتماعی نیز وارد شود.

نقد حاضر در این قسمت یکی از مهم‌ترین سؤالات خود را یادآور می‌شود. آیا اساساً روند پیشرفت کتاب و شیوه‌ای را که نویسنده برای بسط مطالب کتاب به‌کار می‌گیرد، منطقی و صحیح است؟ پاسخ آن مثبت است. چراکه کتاب به‌صورت نظام‌یافته‌ای در پی آموزش طراحی پژوهش در علوم اجتماعی است؛ و هر قسمت از کتاب مرحله‌ای از آن را به‌بحث گذارده است.

هم‌چنین در کتاب نوعی آزادی عمل به چشم می‌خورد؛ گویی وی ملزم نیست مطالب سایر کتاب‌ها و بعضاً مهم و مرجع را تکرار کند. بلیکی به‌گونه‌ای کتاب را نگاشته است که گویی خود وی مرکز طرح موضوع است و این دیگر نویسندگان هستند که باید از او پیروی کنند. این نکته از این جهت بیان گردید که مبحث فرضیه و صحبت درباره آن در بسیاری از کتاب‌ها مشمول طرح مباحثی بسیار شبیه و یک‌سان شده است، تاحدی که گویی همه آن مطالب از یک منبع هستند؛ ولی بلیکی در مبحثی درباره عدم ضرورت وجود فرضیه در پژوهش می‌نویسد که در بسیاری از پژوهش‌ها فرضیه به مسئله دست‌وپاگیر و آزاردهنده‌ای تبدیل می‌شود. در ادامه، وی تجربه خود را این‌چنین بیان می‌دارد:

من خود به‌هنگام انجام پژوهش پایان‌نامه فوق‌لیسانس در دهه شصت قربانی این طرزتفکر بوده‌ام. پایان‌نامه من بیش‌از سی فرضیه داشت که اکثر آن‌ها رابطه سستی با نظریه یا پژوهش‌های پیشین داشتند. این پژوهش به‌گونه‌ای گزارش شده بود که گویا من تحت هدایت این فرضیه‌ها کار کرده‌ام و به‌طور سیستماتیک آن‌ها را آزمون نمودم. کل کار من چیزی بیش‌از مناسبی که باید انجام می‌دادم نبود؛ آن‌هم براساس قراردادهایی که آن زمان برای رشته ما وجود داشت. آنچه من واقعاً بدان نیاز داشتم مجموعه‌ای از پرسش‌های پژوهشی روشن و صریح بود؛ اما هیچ کتابی درباره نیاز به آن‌ها چیزی ننوشته بود؛ مجبور بودیم فرضیه داشته باشیم تا پژوهش ما مقبول افتد. ظاهراً اوضاع چندان فرقی با آن روزها ندارد.

دقت‌نظر بلیکی و آگاهی ژرف وی نسبت به نظریه‌ها نیز در جای‌جای کتاب مشاهده می‌شود؛ دانشی که موجب بسط اطلاعات و درک مخاطبان از آن مطالب می‌شود؛ به‌عنوان مثال، زمانی که می‌خواهد درباره اثبات‌گرایی سخن بگوید از فرانسویس و استوارت میل مبانی مهمی را خاطر نشان می‌سازد.

اهمیت نکته حائز آن است که کتاب در توضیح مسائل از جملات بسیار بنیادی و دقیقی استفاده کرده است؛ به‌عنوان مثال، توضیح وی در باب پوزیتیویسم که آن را با عطف به امکان توانایی شناخت انسان توضیح می‌دهد. جمله «انسان‌های کارآموده می‌توانند داده‌های 'عینی' تولید کنند» نکته دقیق و عالمانه برای درک پوزیتیویسم است.

اما درباره ارجاع‌دهی کتاب باید خاطر نشان ساخت که اگرچه ارجاعات به‌جای کتاب غنای مطالب را بیش‌تر کرده است، میان شیوه ارجاع‌دهی هماهنگی وجود ندارد. در بعضی ارجاعات شماره صفحه ذکر شده است، اما در بعضی دیگر نه. البته هنگامی که موضوع موردارجاع کلی است معمولاً شماره صفحه چندان ضرورت ندارد؛ اما در این کتاب گاهی جمله‌ای موردارجاع قرار گرفته است که به‌نظر می‌رسد ذکر شماره صفحه برای آن ضروری است. همانند جمله «پیرس استفهام و پس‌کاوی را به‌صورت مترادف به‌کار می‌برد» که در ارجاع آن شماره صفحه ذکر نشده است.

بلیکی به مبادلات و مناقشات نظری موجود هم آگاهی کاملی دارد. مثلاً وی به‌خوبی بعضی مناقشات دهه هفتاد را در استفاده از مدل ریاضیاتی توضیح می‌دهد؛ چنان‌چه از نطق جدل‌آمیز کوزر تا مباحث سردبیر مجله *The American Socialist* در ذکر آرای قدرمن و تریمن را بحث می‌کند.

او توضیح می‌دهد که در سال‌های اخیر به‌دشواری می‌توان مقاله‌ای در *The American Sociological Review* یافت که از مدل‌سازی معادلات ساختاری، به‌خصوص رگرسیون، استفاده نکرده باشد. به‌طور کلی، هدف این است که مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل یافت شوند که می‌توانند تغییرات یک متغیر وابسته را به‌بهترین نحو پیش‌بینی کنند.

در مقام نقد باید یادآور شد که بحث مدل در دیگر کتاب‌ها نیز آمده است؛ اما ذکر آن هم با این‌چنین مباحثی نشان از آن دارد که بلیکی خود در قلب این مباحث قرار دارد و خود او عمیقاً مباحث حاشیه آن را نیز درک کرده است.

سازمان‌یافتگی کتاب یک‌دست و هماهنگ است. هرگاه کتاب موضوعات روش‌شناختی و نظری را مطرح می‌سازد با دسته‌ای از ارجاعات و مثال‌ها آن را تکمیل و روشن می‌سازد. این نکته در سراسر کتاب مشاهده می‌شود.

باید یادآور شد که بعضی از اشکالات کتاب هم متوجه نگارنده است و هم مترجم گرامی؛ مثلاً، در بخش روش‌های پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش، کتاب می‌توانست برای روش‌های موسوم به «پانلی» توضیحات مختصری بدهد که مخاطب عام آن را بهتر

دریابد. متأسفانه، معادل انگلیسی آن هم ذکر نشده است. مترجم محترم هم می‌توانست، ضمن درج معادل انگلیسی آن، توضیح خیلی مختصری نیز در مورد آن بدهد. در ترجمه بعضی کتاب‌ها مترجمان گرامی توضیحات زیادی را در پانویشت صفحات اعمال می‌کنند و با افزودن حرف «م» نشان می‌دهند که توضیح مربوط به مترجم ماست؛ توضیحاتی که گاهی از توضیحات پانویستی خود مؤلف نیز بیش‌تر می‌شود که آن نیز چندان نمی‌تواند مناسب باشد؛ اما این‌که در چنین کتابی حتی یک مورد از توضیحات مترجم محترم وجود ندارد نیز مناسب نیست و در چنین مواردی مثل مورد مطالعه پانلی توضیحات مترجم می‌توانست راه‌گشا باشد. البته ترجمه کتاب بسیار عالمانه و دقیق صورت پذیرفته است و اشکال فوق صرفاً مربوط به درج معادل بعضی مفاهیم دشوار است.

پژوهش‌های مورد نظر بلیکی نیز که خود در آن‌ها حضور داشته است برای فهم و دریافت روش پژوهش مهم و مرکزی‌اند (Chomczyński 2010: 98)؛ از این‌رو، مثال‌های پژوهشی بلیکی نکته برجسته کتاب است، وی هم‌چون یک دانش‌آموز، که گویی خود وی معلمی آن را به‌عهده داشته، مطالب کتاب را در پژوهش‌های عملی خود لحاظ داشته است. در مثال‌ها مشاهده می‌شود که او چگونه مواردی هم‌چون استراتژی پژوهش، مفاهیم و مدل، انتخاب منابع داده‌ها، گردآوری داده‌ها و زمان‌بندی، تقلیل و تحلیل داده‌ها را رعایت کرده است.

۵. نتیجه‌گیری

کتاب بلیکی یک اثر تخصصی است. وی سعی دارد طراحی پژوهش‌های کمی در علوم اجتماعی را آموزش دهد؛ بنابراین، در همه جای کتاب بسط کامل و عالمانه موضوعات صورت گرفته است.

کتاب بلیکی مروری کامل به مسائلی است که پژوهش‌گران و اساتید علوم اجتماعی در طراحی پژوهش‌ها و رساله‌های خود با آن‌ها مواجه خواهند شد. بدین ترتیب، راه‌نمای مفیدی است برای دانشجویانی که در مرحله تدوین پایان‌نامه قرار دارند و استادانی که کار راه‌نمایی پایان‌نامه‌ها را به‌عهده دارند و یا مشغول انجام پژوهش‌های اجتماعی هستند. از مهم‌ترین جنبه‌های کتاب بلیکی می‌توان به مواردی هم‌چون توجه عالمانه بر جنبه‌های عملی پژوهش، توضیحات روشن‌گرانه، بحث‌گویا درباره چهار استراتژی، بهره‌گیری مؤلف از تجربیات عملی خود، ذکر مثال‌های راه‌گشا، تأکید بر رابطه دوجانبه نظریه - پژوهش، و توجه کافی به روش‌های کمی اشاره کرد.

از نقاط ضعف کتاب نداشتن نمایه پایانی است. هم‌چنین درج معادل لاتین بعضی مفاهیم و انجام پانویست‌های توضیحی توسط مترجم محترم چاپ‌های بعدی کتاب را غنای بیش‌تری خواهد بخشید.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای مشاهده ارجاعاتی که به کتاب بلیکی صورت پذیرفته است بنگرید به http://books.google.com/books/about/Designing_Social_Research.html?id=gXk34Duqahac
۲. دانشگاه کلون (Cologne) آلمان در درس منطق تحقیق علوم اجتماعی در ذکر منبع برای مطالعه رئوس مطالب درسی کتاب بلیکی را معرفی کرده است. بنگرید به http://www.mpifg.de/people/sq/downloads/logic_soc_inquiry_ss12/Syllabus.
هم‌چنین بنگرید به [designing social research-chapter_3_2xA4_2. pdf](#).
دانشگاه منچستر نیز آن را به‌عنوان یکی از منابع اصلی درس روش تحقیق معرفی کرده است.
بنگرید به http://courses.humanities.manchester.ac.uk/pg/search_details.asp?id=1368
هم‌چنین بنگرید به: طرح درس «طراحی تحقیق» دانشگاه لیدن: <https://studiegids.leidenuniv.nl/courses/show/17648/research-design>
هم‌چنین بنگرید به طرح درس «روش تحقیق» دانشگاه جواهر لعل نهرو، مرکز مطالعات اروپایی، دانشکده مطالعات بین‌المللی: http://www.jnu.ac.in/SIS/CES/Courses/Research_Methodology.htm
هم‌چنین دانشگاه علامه طباطبایی، درس «روش شناخت در روابط بین‌الملل» به‌عنوان منبع مطالعه و نقد.
۳. بنگرید به «نقد کتاب» توسط چومیزنسکی، استاد دانشگاه لودز لهستان: Chomczyński, Piotr (2010), Book Review: Designing Social Research. The Logic of Anticipation. 2nd Edition by Norman Blaikie, *Qualitative Sociology Review*, Vol. VII, Issue 1, April 2011.
هم‌چنین بنگرید به «نقد کتاب» توسط مونتسوری، استاد دانشگاه اترخت هلند: Montesano Montessori, Nicolina (2012), Book review: Norman Blaikie, *Designing Social Research*, March 2012.
۴. برای مثال بنگرید به

Golub, M. S. (2016), "A New Paradigm for Understanding the Roots of the Conflict in Darfur", *International Relations and Diplomacy*.

Conway, Marre (2012), "Using Causal Layered Analysis to Explore the Relationship Between Academics and Administrators in Universities", *Journal of Futures Studies*.

Hoffman, Jeanne (2012), "Unpacking Images of China Using Causal Layered Analysis", *Journal of Futures Studies*.

Gidley, Jennifer M. (2004), *The Metaphors of Globalization: A Multi-Layered Analysis of Global Youth Culture*, Publisher: Tamkang University Press, Tamkang, Taiwan.

Turnbull, David (2006), "Causal Layered Analysis as Pedagogy in Studies of Science and Technology", *Journal of Futures Studies*.

Thi Hong Thanh, Pham (2010), "Implementing a Student-Centered Learning Approach at Vietnamese Higher Education Institutions: Barriers under Layers of Casual Layered Analysis (CLA)", *Journal of Futures Studies*.

Gidley, J. (2005), "Giving Hope back to our Young People: Creating a New Spiritual Mythology for Western Culture", *Journal of Futures Studies: Epistemology, Methods, Applied and Alternative Futures*.

۵. بلیکی در توضیح این موضع (انتقادی) نظر هابرماس را آورده است.

کتاب‌نامه

بلیکی، نورمن (۱۳۹۲)، *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

Blaikie, Norman (2007), *Approaches to Social Enquiry* (2nd edition.), Cambridge: Polity.

Blaikie, Norman (2003), *Analyzing Quantitative Data: From Description to Explanation*, Sage Publication Inc. Inquiry (2nd edition.), Cambridge: Polity.

Chomczyński, Piotr (2011), Book Review: *Designing Social Research. The Logic of Anticipation*, 2nd edition by Norman Blaikie, *Qualitative Sociology Review*, Vol. VII, Issue 1, April 2011.

Inayatullah, Sohail (1998), "Causal layered analysis: post structuralism as method", *Futures*, 30(8).

Inayatullah, Sohail (2007), "Questioning the Future", (3rd edition) Taipei, Taiwan: Tamkang University Press.

Montesano Montessori, Nicolina (2012), Book Review: Norman Blaikie, *Designing Social Research, Discourse and Society*, March 2012.